



سال اول. شماره دوم. پاییز و زمستان ۱۳۹۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۲/۲۲

تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۲۴

بازکاوی اسناد روایات کتاب الحجة کافی و پاسخ به یک ادعا^۱ | علی ثامنی

چکیده

یکی از نویسندگان در مقاله‌ای با عنوان «تأملی در منابع اعتقادی»، مدعی شده که آمار روایات معتبر کتاب الحجة کافی که از مهم‌ترین منابع روایی شیعه در موضوع امامت به‌شمار می‌رود، از دیدگاه علامه مجلسی ۲۸ درصد و از منظر آقای بهبودی، ۱۰ درصد می‌باشد و بر این اساس، کوشیده است تا بسیاری از مبانی اعتقادی شیعه در موضوع امامت را مبتنی بر روایات ضعیف جلوه دهد. در این نوشتار فارغ از مسائل کلامی مندرج در این مقاله، نشان داده شده که اولاً آمار روایات معتبر کتاب الحجة از نگاه رجالی علامه مجلسی ۳۹/۲۱ درصد است، ثانیاً از منظر آقای بهبودی نیز که وجود روایت متابع معتبر برای روایات ضعیف السند را از شواهد صحت روایت به‌شمار می‌آورد، میزان روایات معتبر افزایش قابل توجهی خواهد داشت. به‌عنوان نمونه، در این مقاله با جستجوی روایات همسان (متابع) برای احادیث ضعیف السند کتاب الحجة کافی از سایر مصادر روایی، نشان داده شده که تعداد ۹۰ روایت برابر با ۱۳/۳۱ درصد این روایات مطابق دآوری‌های رجالی آیه الله خویی، دارای متابع معتبر می‌باشد. از طرفی با استفاده از روایات شاهد معتبر در کنار این آمار، می‌توان نشان داد که ۷۵/۰۷ درصد کل روایات این کتاب از پشتوانه سندی معتبر برخوردارند.

واژگان کلیدی: کتاب الحجة، روایت معتبر، روایت متابع، علامه مجلسی، محمدباقر بهبودی.



۱. مقدمه

چندی پیش یکی از دگراندیشان معاصر، مقاله‌ای با عنوان «تأملی در منابع اعتقادی» در وبسایت خود قرار داد که در آن به مطالبی پیرامون برخی از مسائل کلامی در حوزه تفکر شیعی در موضوع امامت پرداخته است. وی در این مقاله کوشیده است تا در اصالت برخی از معتقدات رایج شیعه، از قبیل علم لدنی ائمه علیهم‌السلام نسبت به امور گذشته و آینده، برخورداری ایشان از عصمت از خطا در گفتار و کردار و اندیشه، سرشت متعالی امامان علیهم‌السلام، محدث بودن ایشان و هم‌طرازی ائمه علیهم‌السلام با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در همه فضایل به استثنای نبوت و ... خدشه وارد سازد و ضمن «فرابشری» خواندن چنین اعتقاداتی، مستند آنها را روایات ضعیف تلقی نموده و بر این اساس، چنین روایاتی را ساخته و پرداخته غلات و مفوضه معرفی کند. وی بدین منظور سراغ روایات بخش امامت اصول کافی موسوم به «کتاب الحجة» رفته و با ارائه یک سری آمار و ارقام از میزان اعتبار روایات آن، سعی نموده تا مدعای خود را اثبات نماید.

هرچند اصولاً در بررسی اعتبار روایات اعتقادی، علاوه بر بررسی سندی، روش‌های دیگری همچون اعتضاد با ادله عقلی نیز پیش گرفته می‌شود و به دلیل وجود ادله فراوان عقلی و نقلی که در تأیید مسائل اعتقادی و کلامی این کتاب توسط متکلمان گرانقدر شیعه بیان شده است، صرف مناقشات سندی در روایات آن، راه به جایی نخواهد برد، و از طرفی تاکنون نقدهای متعددی راجع به مباحث کلامی و تاریخی مطرح در این مقاله صورت پذیرفته است (به عنوان نمونه نک: انصاری: <http://ansari.kateban.com/post/1364>؛ اسماعیلی: <http://www.emamat.ir/item/3636-/html>)، در نوشتار حاضر، قصد پرداختن به این مسائل و نقد ادعاهای وی در این حوزه را نداریم و تنها با رویکرد بررسی سندی روایات، به بررسی این موضوع می‌پردازیم که آمار ارائه شده توسط ایشان در خصوص اعتبار روایات کتاب الحجة کافی تا چه حد قابل اعتماد می‌باشد.

۱. علامه مجلسی و میزان اعتبار روایات کتاب الحجة

نویسنده مقاله «تأملی در منابع اعتقادی»، در مقام ارزیابی سندی روایات «کتاب الحجة»، با مراجعه به شرح کافی علامه مجلسی با عنوان «مرآة العقول»، آماری مطابق ارزیابی‌های سندی ایشان بدین صورت ارائه می‌کند:

«از مجموع ۱۰۱۵ روایت کتاب الحجة کافی، ۲۸۶ روایت صحیح یا موثق یا حسن و یا در حکم این عناوین است؛ ۲۵۴ روایت مرفوع یا مرسل یا مجهول است؛ ۴۶۳ روایت نیز ضعیف می‌باشد.»

و بر این اساس، وی نتیجه می‌گیرد که حدود ۲۸ درصد روایات کتاب الحجة کافی به لحاظ سندی معتبر، و بیش از ۷۰ درصد آنها فاقد اعتبار سندی است. وی این مطلب را به آمار فوق می‌افزاید که ارزیابی علامه مجلسی «بسیار خوش‌بینانه» و معیارهای او «بسیار موسّع و سهل‌انگارانه» است (کدیور: <http://kadivar.com/?p=208>).

۱-۱. نقد آمار منسوب به علامه مجلسی

باید توجه داشت اولاً علامه مجلسی با اعتراف به معتبر بودن همه روایات کافی، به کارگیری این ارزیابی سندی را تنها در مقام ترجیح روایات متعارض مفید دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۲/۱)، ثانیاً آمار ارائه شده در بالا از ارزیابی‌های علامه در خصوص کتاب الحجة، یک آمار سطحی بوده و بدون تحقیق در مبانی رجالی علامه مجلسی و در نظر گرفتن نظرات فراگیر ایشان درباره راویان در مواضع گوناگون انجام گرفته است و نه تنها یک آمار خوش‌بینانه و سهل‌انگارانه نیست، بلکه در بیشتر موارد، با اعمال نظرات مشهور و متداول دانشمندان رجال بر تک‌تک راویان اسناد اتخاذ شده است. توضیح اینکه علامه مجلسی در موارد فراوانی، ارزیابی‌های خود را مطابق دیدگاه مشهور ارائه داده و از ارزیابی صریح درباره وضعیت سند خودداری کرده و به ذکر نظر مشهور بسنده نموده است. اما از آنجا که ایشان در مواضع دیگر نظر خود را به‌طور آشکار در خصوص وثاقت برخی از راویان عنوان کرده‌اند، می‌توان با ارجاع مواردی که تنها نظر مشهور بیان شده، به مواضعی که نظر قطعی خود علامه ارائه شده است، به آمار دقیقی از روایات معتبر کتاب الحجة از دیدگاه رجالی علامه مجلسی دست یافت. برخی از راویانی که علامه مجلسی آنها یا روایات آنها را معتبر می‌داند، از این قرارند: معلی بن محمد بصری (همان، ۱۴۸، ح ۲؛ ۳۲۵/۷، ح ۲؛ ۳۶۸، ح ۹)، سهل بن زیاد آدمی (همان، ۳۱۴/۹، ح ۴؛ ۲۰۹/۱۱، ح ۳)، محمد بن سنان (همو، ۱۴۲۰: ۱۶۱، ش ۱۶۹۱)، حسن بن عباس بن حریش (همو، ۱۴۰۴: ۶۱/۳-۶۲)، علی بن ابی حمزه بطائنی (همان، ۶۸/۲۶، ح ۲۰۲؛ ۷۵، ح ۲۱۰؛ ۱۲۸، ح ۲۵۶؛ ۳۱۶، ح ۴۴۰؛ ۵۸۱، ح ۵۷۵)، ابان بن ابی عیاش (همان، ۲۹۱/۳،



داود بن کثیر (همان، ۳/۸، ح ۴؛ ۴۱؛ ۶۸، ح ۱)، معلی بن خنیس (همان، ۱۸۱/۱۲، ذیل ح ۵)، ابو خدیجة سالم بن مکرم (همان، ۱۴۸، ح ۲؛ ۱۲۸/۳، ح ۷)، هیشم بن أبی مسروق (همو، ۱۴۲۰: ۱۹۴، ش ۲۰۷۲)، قاسم بن سلیمان بغدادی (همو، ۱۴۰۴: ۳۲۰/۱۵، ذیل ح ۲۷)، حمزة بن محمد بن طیار (همان، ۴۵۶، ح ۳)، عبد الله بن سلیمان صیرفی (همان، ۱۶۸/۵، ح ۳)، عبد الأعلى بن أعین (همان، ۹۰/۱۱، ح ۹؛ ۱۲۱/۱۷، ح ۲) و عبد الرحیم قصیر (همو، ۱۴۲۰: ۲۳۴، ش ۲۰۳). اما ایشان در ارزیابی‌های رجالی خود از اسناد کتاب الحجة در مرآة العقول، در موارد بسیاری، اسنادی را که این افراد در آن قرار داشته‌اند، «ضعیف»، «ضعیف علی المشهور»، «مجهول» و «مختلف فیه» دانسته و نظر نهایی خود را ابراز نداشته است.

به عنوان مثال، علامه در کتاب الحجة، روایات معلی بن محمد را ۳۵ بار «ضعیف علی المشهور» و ۱۱ بار «ضعیف»، روایات سهل بن زیاد را ۱۲ بار «ضعیف علی المشهور» و ۳ بار «ضعیف»، روایات حسن بن عباس بن حریش را ۱۲ بار «ضعیف علی المشهور»، روایات محمد بن سنان را ۱۱ بار «ضعیف علی المشهور» و ۱ مرتبه «ضعیف»، روایات علی بن أبی حمزه بطائی را ۳ مورد «ضعیف علی المشهور»، روایات حمزة بن محمد بن طیار را ۲ بار «ضعیف»، ۲ بار روایات ابان بن أبی عیاش را «مختلف فیه»، روایت معلی بن خنیس را ۱ بار «ضعیف علی المشهور» و ۱ مورد «مختلف فیه»، ۱ بار روایت ابو خدیجه سالم بن مکرم را «مختلف فیه» و ۲ بار روایات عبد الأعلى (= ابن أعین) و ۱ بار روایت هر یک از هیشم بن أبی مسروق، قاسم بن سلیمان بغدادی، عبد الله بن سلیمان صیرفی و عبد الرحیم قصیر را «مجهول» دانسته است.

همچنین در یک مورد، روایت اصحاب اجماع از راوی مجهول را نزد برخی سبب حکم به صحت سند دانسته، ولی خود در این موضع تصریح به صحت سند ننموده است (همو، ۱۴۰۴: ۲۸۰/۶، ح ۲۱)؛ با اینکه خود نیز این مبنا را قبول دارد (به عنوان نمونه نک: همان، ۲۵۵/۶، ذیل ح ۴؛ ۱۷۸/۸، ذیل ح ۴؛ ۲۶۶/۱۲، ذیل ح ۲۲؛ ۲۹/۱۴، ذیل ح ۵).

همچنین در ۵ موضع که ارزیابی ایشان از اسناد کتاب الحجة درج نشده، با مراجعه به اسناد مشابه معلوم می‌شود که این اسناد نزد ایشان معتبر است (البته در ۳ مورد اعتبار سند واضح است (همان، ۳۴۳/۲، ح ۴؛ ۴۳۲، ح ۱؛ ۱۴/۳، ح ۷) و در دو مورد، به دلیل حضور محمد بن

سنان (همان، ۱۹۴/۴) و عبد الله بن سليمان صيرفي (همان، ۳/۳) در سند، با ارجاع این دو مورد به سایر نظرات ایشان، اعتبار سند روشن می‌شود).

در دو مورد نیز قطعاً در ارزیابی ایشان سهوی رخ داده است. در یک مورد ایشان سند را ضعیف ارزیابی کرده‌اند (همان، ۵/۳)، اما تمامی رجال سند در مواضع دیگر مورد وثوق ایشان بوده‌اند (برای نمونه نک: همان، ۱۱، ح ۱؛ ۱۲، ح ۳؛ ۲۲۷/۴، ح ۱؛ ۱۱۷/۱۸، ح ۲) و در مورد دیگر که ایشان سند را مجهول معرفی کرده‌اند (همان، ۲۳۵/۶)، طریق ذیل روایت، بی‌اشکال معتبر بوده که ظاهراً ایشان از آن غفلت داشته‌اند.

بر این اساس، تعداد روایات معتبر کتاب الحجة مطابق دیدگاه علامه مجلسی ۳۹۸ مورد، برابر با ۳۹/۲۱ درصد کل روایات، و تعداد روایات ضعیف السند ۶۱۷ مورد، برابر با ۶۰/۷۸ درصد مجموع روایات می‌باشد.

عدم توجه به نکته فوق سبب شده که نویسنده مقاله مزبور یک آمار غیر واقعی از ارزیابی علامه مجلسی از اسناد کافی به دست داده و تعداد روایات معتبر را ۲۹۲ مورد و روایات ضعیف السند را ۷۲۳ روایت تصور نماید که این امر، آمار روایات ضعیف را حدود ۱۱ درصد افزایش داده و به ۷۲ درصد رسانده است.

۲. محمدباقر بهبودی و میزان اعتبار روایات کتاب الحجة

نویسنده مقاله «تأملی در منابع اعتقادی» سپس اشاره به ارزیابی سندی و متنی حدیث پژوه معاصر، محمدباقر بهبودی در کتاب صحیح الکافی کرده و ابراز داشته که بر اساس دیدگاه وی، از ۲۸۳۳ روایت اصول کافی، تنها ۵۹۳ حدیث، یعنی ۲۱ درصد صحیح شناخته شده است و از ۱۰۱۵ روایت کتاب الحجة کافی، تنها ۱۰۱ حدیث، یعنی کمتر از ۱۰ درصد صحیح یا معتبر تلقی شده است.

وی در جمع‌بندی آمارهای ارائه شده می‌گوید:

«به هر حال در خوش‌بینانه‌ترین حالت، بیش از دوسوم روایات کتاب اصول کافی از روایات ضعیف و غیر معتبر محسوب می‌شود. این نسبت در روایات کتاب الحجة کافی به ۷۰ تا ۹۰ درصد می‌رسد؛ یعنی تنها بین ۱۰ تا حداکثر ۲۸ درصد روایات این کتاب معتبر (صحیح یا موثق یا حسن) شمرده می‌شوند.» (کدیور:

(<http://kadiyar.com/?p=208>)



۲-۱. نقد آمار منسوب به آقای محمدباقر بهبودی

اگرچه آماری که نویسنده مزبور از تعداد روایات معتبر کتاب الحجة مطابق دیدگاه آقای بهبودی ارائه داده، با یک شمارش ساده از تعداد روایات درج شده در قسمت کتاب الحجة صحیح الکافی به دست آمده است و به ظاهر درست به نظر می آید، اما در اینجا نیز معتقدیم با در نظر گرفتن یکی از روش های مورد قبول آقای بهبودی در دستیابی به روایات معتبر - که در بیشتر موارد در مقام عمل مورد غفلت خود ایشان واقع شده است - می توان تعداد روایات معتبر کتاب الحجة را به میزان قابل توجهی افزایش داد. مؤلف کتاب صحیح الکافی بر این باور است که اگر یک روایت ضعیف السند در جای دیگری با سند صحیح عرضه شده باشد، آن روایت را می توان در زمره روایات صحیح قرار داد. به عنوان مثال وی در کتاب «گزیده کافی» که ترجمه کتاب «صحیح الکافی» با قلم خودش می باشد، در باب «إِنَّ الْأَئِمَّةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَلَاةُ الْأَمْرِ وَهُمْ النَّاسُ الْمَحْسُودُونَ»، طریق روایت شماره ۲ را ضعیف خوانده و علت درج این روایت در صحیح الکافی (بهبودی، ۱۴۰۱: ۲۸) را این دانسته که همین روایت در حدیث شماره ۷۶ صحیح الکافی (باب فرض طاعة الأئمة، روایت ۶) با سند صحیح آمده است (همو، ۱۳۶۳: ۶۱، ذیل ح ۸۴).

۳. بازکاوی اسناد ضعیف السند کتاب الحجة

چنان که مشاهده شد، با تفاوت مبانی رجالی، آمار روایات صحیح و ضعیف دستخوش تغییر قابل توجهی خواهد شد. به عنوان مثال، از مجموع آمار ۱۸۵۳۶ حدیث کافی - که اسناد متعدد یک روایت نیز به عنوان روایت در نظر گرفته شده است - در نرم افزار درایة النور که تحت اشراف آقای سید محمدجواد شبیری تهیه شده است، در نهایت تعداد ۹۴۸۸ حدیث صحیح، ۲۷۲۰ حدیث موثق و ۶۳۲۸ سند ضعیف شمرده شده است (حجت، ۱۳۸۶: ۱۶۹) که از این تعداد، ۵۶۰ روایت ضعیف مربوط به قسمت کتاب الحجة می باشد و آمار روایات ضعیف این بخش حدود ۵۵ درصد، و روایات معتبر حدود ۴۵ درصد خواهد بود، که باز هم آمار روایات ضعیف قابل توجه می باشد. از جمله اقداماتی که می توان جهت بازیابی اعتبار روایاتی از کتاب های حدیثی که دچار ضعف سندی هستند بدان تمسک جست، ولی کمتر به آن به صورت مستقل و فراگیر پرداخته شده، تتبع طرق آن حدیث در مجامع حدیثی دیگر است؛ امری که میان علمای علم درایه، به اصطلاح «اعتبار» نامیده می شود (شهرزوری، ۱۴۱۶: ۶۵؛ عسقلانی، ۲۰۱۲:

۵۴؛ سیوطی، ۲۰۰۹: ۱۷۸؛ عاملی، ۱۴۰۱: ۱۷۶؛ صدر، بی تا: ۱۷۵)، تا ملاحظه شود آیا آن حدیث با سندی صحیح و معتبر در جاهای دیگر آمده است یا خیر. احادیثی که به دنبال عملیات اعتبار برای احادیث ضعیف السند یافت می شود، «متابع» نام دارند (شهرزوری، ۱۴۱۶: ۶۵؛ طحان، ۱۴۲۴: ۱۱۸-۱۱۹؛ عسکر، ۱۴۲۷: ۱۰۰؛ خطیب، ۱۴۰۱: ۳۶۶؛ عاملی، ۱۴۰۱: ۱۷۶-۱۷۷؛ صدر، بی تا: ۱۷۴-۱۷۵). حال اگر حدیث دیگری که همان مفهوم را با الفاظ دیگری افاده می کند یافت شود، آن را «شاهد» می نامند (طحان، ۱۴۲۴: ۱۱۹؛ عاملی، ۱۴۰۱: ۱۷۶؛ صدر، بی تا: ۱۷۵؛ خطیب، ۱۴۰۱: ۳۶۶).

متأسفانه جستجوی متابعات صحیح السند برای روایات دارای سند ضعیف که از شواهد صحت احادیث محسوب می شود و مطابق مثال فوق مورد قبول آقای بهبودی هم می باشد، وجهه همت ایشان قرار نگرفته و در کل کتاب الحجة کافی به جز یک مورد - که در بالا مورد اشاره قرار گرفت - از آن بهره گرفته نشده است؛ امری که می توانست آمار روایات ضعیف کافی از دیدگاه ایشان را بسیار کاهش دهد.

از خصوصیات این روش اعتباریابی این است که مورد قبول متقدمان و متأخران اصحاب می باشد؛ چرا که ارائه حدیث با سند معتبر (صحیح، حسن و موثق) همان چیزی است که پس از روی کار آمدن اصطلاحات چهارگانه حدیث در قرن هفتم، مورد تأکید متأخران می باشد و از طرف دیگر، وجود حدیث متابع خود از مقولاتی محسوب می شود که متقدمان به عنوان قرینه خارجی صحت حدیث به آن توجه داشته اند.

در ادامه این مقاله می کوشیم تا برای روایات «کتاب الحجة»، عملیات «اعتبار» انجام داده و برای روایات ضعیف السند آن از مجامع حدیثی دیگر، احادیث متابع معتبر استخراج نماییم و نشان دهیم که آمار روایات ضعیف کتاب الحجة حتی با موازین پذیرفته شده آقای بهبودی با آنچه در مقاله مزبور ادعا شده، بسیار متفاوت خواهد بود. البته هرچند نظر آقای بهبودی در خصوص راویان ضعیف و همچنین برخی معیارهای نقد محتوایی روایت در کتاب معرفة الحديث ایشان انعکاس یافته، اما به دلیل روشن نبودن دیدگاه ایشان درباره برخی از رجال - به خصوص در حوزه روایات متابع در مجامع روایی غیر از کتب اربعه - و نیز شخصی بودن تعیین مصادیق برخی از اندیشه های درایة الحدیثی مورد اعتقاد ایشان در ارتباط با مضامین غیر



معتبر^۱، قادر به ارائه آمار روایات متابع معتبر مطابق دیدگاه ایشان نیستیم. ازاین رو در این مقاله برای نشان دادن نقش مراجعه به روایات متابع معتبر در افزایش اعتبار روایات ضعیف السند، برای تعیین روایات ضعیف الاسناد کتاب الحجة و نیز قضاوت درباره رجال روایات متابع، جهت یکسان بودن مبنای جرح و تعدیل، در همه جا، داوری های رجالی آیه الله خویی را در معجم رجال الحديث - که به نوبه خود از دیدگاه های سخت گیرانه در حوزه جرح و تعدیل راویان به شمار می رود - مبنا قرار داده و از این طریق، نشان خواهیم داد که توجه به اعتبار روایات همسان و با مضامین مشابه، به چه میزان سبب رشد آمار روایات معتبر خواهد شد.

شایان توجه است با اینکه وثاقت راویانی همچون محمد بن سنان، سهل بن زیاد، علی بن ابي حمزة بطائی و داود بن کثیر نزد بسیاری از علما ثابت است، اما به دلیل آنکه آیه الله خویی روایات ایشان را معتبر ندانسته اند، در این مقاله روایات آنها ضعیف قلمداد شده است. همچنین هرچند نسبت کتاب تفسیر قمی موجود به علی بن ابراهیم قمی و نیز اعتبار توثیق عام وی برای رجال اسناد روایات این کتاب تفسیری نزد بسیاری ثابت نیست، اما چون آیه الله خویی هر دو مطلب را قبول داشته اند (خویی، ۱۴۱۳: ۴۹/۱-۵۰)، در این مقاله از روایات متابع موجود در این تفسیر نیز استفاده شده و توثیق عام برگرفته از آن نیز اخذ شده است.

۴. ارائه نمونه ای روایات ضعیف السند دارای متابع معتبر

با توجه به کثرت روایاتی که به ظاهر به خاطر دارا بودن سند ضعیف، غیر معتبر قلمداد می شوند اما دارای متابع معتبر هستند، در این قسمت به عنوان نمونه برای انواع ریز موضوعات حوزه امامت که ممکن است به دلیل ضعف سند دارای مفاهیم غیر قابل اتکا معرفی گردد، متابعات معتبر ارائه می گردد.

در این قسمت تعدادی از روایات ضعیف السند کتاب الحجة که احادیث متابع معتبر (صحیح، حسن و موثق) داشته است، به ترتیب ذیل دوازده عنوان امامت عامه، لزوم ولایت پذیری مردم، چگونگی شناسایی امامان، صفات و ویژگی های امامان، امامت خاصه، امامان دوازده گانه، مباحث مرتبط با مهدویت و عصر غیبت، ویژگی عصر ظهور، امامان مصداق آیات قرآن، تفسیر روایی آیات ولایت، تاریخ زندگانی معصومان و روایات فقهی مبحث امامت عرضه شده است. ضمناً راویانی که عامل ضعف روایات کتاب الحجة مطابق دیدگاه آیه الله خویی بوده اند، با

علامت خط تیره زیر نامشان مشخص شده‌اند. لازم به ذکر است که برای به‌دست آوردن نظر رجالی آیه الله خویی پیرامون هر یک از راویان، به چاپ تجدید نظر شده کتاب معجم رجال الحديث که منطبق بر آخرین دیدگاه ایشان است، مراجعه شده و جهت اطمینان بیشتر، نظرات استخراج شده ایشان با کتاب المفید من معجم رجال الحديث تطبیق داده شده است.

۴-۱. مبحث امامت عامه

۴-۱-۱. علی بن ابراهیم، عن ابيه عن الحسن بن ابراهیم، عن یونس بن یعقوب قال: کان عند أبی عبد الله عليه السلام جماعة من اصحابه ... فضحك أبو عبد الله عليه السلام و قال: یا هشام من علمك هذا قلت شیء اخذته منك و الفته فقال هذا و الله مكتوب فی صحف ابراهیم و موسی. (باب الاضطرار الى الحجة، ح ۳)

روایت متابع: أبی رحمه الله قال: حدّثنا سعد بن عبد الله قال: حدّثنا ابراهیم بن هاشم قال: حدّثنا إسماعیل بن مرار قال: حدّثنی یونس بن عبد الرحمان، عن یونس بن یعقوب قال: کان عند أبی عبد الله عليه السلام جماعة من أصحابه ... فضحك أبو عبد الله عليه السلام ثم قال یا هشام من علمك هذا؟ قال: فقلت یا بن رسول الله جرى علی لسانی، قال یا هشام هذا والله مكتوب فی صحف ابراهیم و موسی. (صدوق، ۱۳۸۵: ۱۹۳/۱-۱۹۵، ح ۲؛ همو، ۱۴۰۵: ۲۰۷، ح ۲۲)

۴-۱-۲. علی بن محمّد، عن سهل بن زیاد، عن الحسن بن محبوب، عن أبی أسامة و علی بن ابراهیم، عن أبیه عن الحسن بن محبوب، عن أبی أسامة، و هشام ابن سالم، عن ابی حمزة، عن أبی اسحاق، عن یثقب به اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام ان امیر المؤمنین علیه السلام قال: اللهم انک لا تخلی ارضک من حجة لك علی خلقک. (باب ان الأرض لا تخلو من حجة، ح ۷)

روایت متابع: حدّثنا أبی رضی الله عنه قال: حدّثنا سعد بن عبد الله قال: حدّثنا هارون ابن مسلم، عن سعدان، عن مسعدة بن صدقة، عن أبی عبد الله، عن آبائه، عن علی علیهم السلام أنه قال فی خطبة له علی منبر الکوفة: اللهم إنه لا بد لأرضک من حجة لك علی خلقک ... (صدوق، ۱۴۰۵: ۳۰۲، ح ۱۱)

۴-۱-۳. محمّد بن یحیی عن أحمد بن محمّد، عن محمّد بن سنان، عن ابن الطیار قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام یقول: لو لم یبق فی الارض الا اثنان لکان أحدهما الحجة. (باب انه لو لم یبق فی الأرض الا رجلان لکان أحدهما الحجة، ح ۱)





روایت متابع: أحمد بن محمد، عن محمد بن الحسن، عن النهدي، عن أبيه، عن يونس بن يعقوب، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سمعته يقول: لو لم يكن في الأرض إلا اثنان لكان الإمام أحدهما. (كليني، ١٣٦٩: ١٨٠/١، ح ٥)

٢-٤. لزوم ولایت پذیری مردم

١-٢-٤. محمد بن يحيى عن احمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن حماد بن عيسى عن الحسين بن المختار، عن بعض اصحابنا عن ابي جعفر عليه السلام في قول الله عز وجل: وَآتَيْنَاهُمْ مَلَكًا عَظِيمًا (النساء- ٥٤)، قال: الطاعة المفروضة. (باب فرض طاعة الأئمة عليهم السلام، ح ٤) روايات متابع:

١- حدثنا أحمد بن محمد عن الحسين بن سعيد عن حماد بن عيسى عن الحسين بن المختار عن أبي بصير عن أبي جعفر عليه السلام في قول الله تعالى أم يحسدون الناس على ما آتاهم الله من فضله فقد اتينا آل إبراهيم الكتاب والحكمة وآتيناهم ملكا عظيما قال الطاعة المفروضة. (صفار، ١٤٠٤: ٥٥، ح ٢)

٢- حدثنا يعقوب بن يزيد عن ابن أبي عمير عن أبي جعفر عليه السلام في قوله وآتيناهم ملكا عظيما فقال الطاعة المفروضة. (همان، ٥٢٩، ح ١٤)

٢-٢-٤. أحمد بن محمد، و محمد بن يحيى، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن عبد الحميد عن منصور بن يونس، عن سعد بن طريف، عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من أحب أن يحيى حياة تشبه حياة الأنبياء... (باب ما فرض الله عز وجل ورسوله ﷺ من الكون مع الأئمة عليهم السلام، ح ٣)

روایت متابع: وعنه {سعد بن عبد الله}، عن إبراهيم بن محمد الثقفي، عن عبد الرحمان بن أبي هاشم، قال: حدثنا سلام بن أبي عمرة الخراساني، عن أبان بن تغلب عن أبي عبد الله عليه السلام، عن أبيه، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله من أراد أن يحيى حياته... (ابن بابويه، ١٤٠٤: ٤٣-٤٤، ح ٢٤)

٣-٢-٤. الحسين بن محمد، عن معلی بن محمد، عن محمد بن جمهور، عن فضالة بن أيوب عن الحسن بن زياد، عن الفضيل بن يسار، قال: قال أبا جعفر عليه السلام: وإنَّ الرُّوح و

الراحه و الفلج و العون و النجاح و البركة ... لمن تولّى عليا ... (باب ما فرض الله عزوجل و رسوله ﷺ من الكون مع الأئمة عليهم السلام، ح ٧)

روایت متابع: عنه {احمد بن محمد بن خالد}، عن علي بن الحكم، عن سعد بن أبي خلف، عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام، قال: قال رسول الله ﷺ: الروح والراحه والفلج والفلح والنجاح والبركة ... علي من أحب علي بن أبي طالب ... (برقي، ۱۳۷۰: ۱/۱۵۲، ح ۷۴)

۴-۲-۴. الحسين بن محمد، عن معلى بن محمد، عن الحسن بن علي الوشاء قال: حدّثنا محمد بن الفضيل، عن أبي حمزة قال: قال لي أبو جعفر عليه السلام: انما يعبد الله من يعرف الله ... (باب معرفة الإمام و الرد اليه، ح ۱)

روایت متابع: عنه {محمد بن يحيى}، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب، عن عمرو بن أبي المقدام، عن جابر قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: انما يعرف الله عز وجل ويعبده من عرف الله ... (كليني، ۱۳۶۹: ۱/۱۸۱، ح ۴)

۳-۴. نشانه شناسایی امامان عليهم السلام

۴-۳-۱. علي بن محمد و محمد بن الحسن عن سهل عن بكر بن صالح عن محمد بن سنان عن المفضل بن عمر قال أتينا باب أبي عبد الله عليه السلام و نحن نريد الإذن عليه فسمعناه يتكلم بكلام ليس بالعربية فتوهمنا أنه بالسرانية ثم بكى فبكينا لبكائه ... قال فأوحى الله إليه أن ارفع رأسك - فإني غير معذبك فإني إذا وعدت وعدا وفيت به. (باب إن الأئمة عليهم السلام عندهم جميع الكتب التي نزلت من عند الله عز وجل و أنهم يعرفونها على اختلاف ألسنتها، ح ۲)

روایت متابع: حدّثنا محمد بن الحسين عن أحمد بن الحسن الميثمي عن أبان بن عثمان عن موسى النميري قال جئت إلى باب أبي جعفر عليه السلام لأستأذن عليه فسمعنا صوتا حزينا يقرأ بالعبرانية فبكينا حيث سمعنا الصوت ... قال فأوحى الله إليه اني إذا قلت قولاً وفيت به. (صفار، ۱۴۰۴: ۳۶۱، ح ۳)

۴-۳-۲. محمد بن يحيى، عن محمد بن الحسين، عن موسى بن سعدان، عن عبد الله بن القاسم، عن أبي سعيد الخراساني، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال أبو جعفر عليه السلام: إن القائم إذا قام بمكة و أراد أن يتوجه إلى الكوفة نادى مناديه: ألا لا يحمل أحد منكم طعاماً ولا شراباً و يحمل حجر موسى بن عمران و هو وقر بعير، فلا ينزل منزلاً إلا انبعث عين منه، فمن كان



جائعا شیع، و من كان ظامئاً روى، فهو زادهم حتى ينزلوا النجف من ظهر الكوفة. (باب ما عند الأئمة من آيات الأنبياء، ح ۳)

روایت متابع: أخبرنا محمد بن همام ومحمد بن الحسن بن محمد بن جمهور العمى، عن الحسن بن محمد بن جمهور، عن أبيه، عن سليمان بن سماعة، عن أبي الجارود، عن أبي جعفر محمد بن علي عليه السلام أنه قال: إذا خرج القائم من مكة ينادى مناديه: ألا لا يحملن أحد طعاما ولا شرابا ... حتى ينزلوا النجف من ظهر الكوفة. (نعماني، ۱۴۲۲: ۲۴۴، ح ۲۹)

۴-۴. صفات و ویژگی های امامان علیهم السلام

۴-۴-۱. همراهی همیشگی روح القدس با ایشان

۴-۴-۱-۱. محمد بن یحیی، عن محمد بن الحسين، عن علی بن أسباط، عن أسباط بن سالم قال: سأله رجل من أهل هيت - وأنا حاضر - عن قول الله عز وجل «وَكَذَلِكَ أَفْهِمْنَا إِلَيْكَ رُوحاً مِنْ أَمْرِنَا» فقال: منذ أنزل الله عز وجل ذلك الروح على محمد صلى الله عليه وآله ما صعد إلى السماء وإنه لفينا. (باب الروح التي يسدد الله بها الأئمة عليهم السلام، ح ۲)

روایت متابع: حدثنا أحمد بن محمد بن الحسن بن محبوب عن ابن بكير عن زرارة عن أبي جعفر عليه السلام في قول الله عز وجل وكذلك أوحينا إليك روحا من أمرنا ... فقال أبو جعفر عليه السلام منذ أنزل الله ذلك الروح على نبيه ما صعد إلى السماء وإنه لفينا. (صفار، ۱۴۰۴: ۴۷۷، ح ۱۲)

۴-۴-۱-۲. محمد بن یحیی، عن عمران بن موسى، عن موسى بن جعفر، عن علی بن أسباط، عن محمد بن الفضیل، عن أبي حمزة قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن العلم أ هو علم يتعلمه العالم من أفواه الرجال أم في الكتاب عندكم تقرءونه فتعلمون منه؟ قال: الأمر أعظم من ذلك ... (باب الروح التي يسدد الله بها الأئمة عليهم السلام، ح ۵)

روایت متابع: وروی محمد بن عیسی {عن حماد بن عیسی} عن إبراهيم بن عمر قال قلت لأبي عبد الله عليه السلام أخبرني عن العلم الذي تعلمونه أ هو شيء تعلمونه من أفواه الرجال بعضكم من

بعض اوشئ مكتوب عندكم من رسول الله صلى الله عليه وآله فقال الامر أعظم من ذلك ...
(صفار، ۱۴۰۴: ۴۷۹، ح ۳)

۴-۴-۲. امامان؛ صاحبان علوم انبيا و کتاب های آسمانی

۴-۴-۲-۱. محمد بن يحيى، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن عيسى، عن أبي عبد الله المؤمن، عن عبد الأعلى مولى آل سام قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: والله إننى لأعلم كتاب الله ... قال الله عز وجل: فيه تبيان كل شئ. (باب انه لم يجمع القرآن كله إلا الأئمة عليهم السلام و أنهم يعلمون علمه كله، ح ۴)

روایات متابع:

۱- حدثنا محمد بن عبد الجبار عن الحسن بن على بن فضال عن حماد بن عثمان عن عبد الأعلى بن أعين قال سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول قد ولدنى رسول الله صلى الله عليه وآله وأنا أعلم كتاب الله ... ان الله يقول فيه تبيان كل شئ. (صفار، ۱۴۰۴: ۲۱۷-۲۱۸، ح ۳)

۲- محمد بن يحيى، عن محمد بن عبد الجبار، عن ابن فضال، عن حماد بن عثمان، عن عبد الأعلى بن أعين قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول قد ولدنى رسول الله صلى الله عليه وآله وأنا أعلم كتاب الله ... ان الله يقول: «فيه تبيان كل شئ». (كلينى، ۱۳۶۹: ۶۱/۱، ح ۸)

۴-۴-۳. امامان؛ صاحبان علم غيب الهی

۴-۴-۳-۱. محمد بن يحيى، عن عبد الله بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن محبوب، عن على بن رئاب. عن سدير الصيرفى قال: سمعت حمران بن أعين يسأل أبا جعفر عليه السلام عن قول الله عز وجل: «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» قال أبو جعفر عليه السلام إن الله عز وجل ابتدع الأشياء كلها بعلمه على غير مثال كان قبله ... فهو العلم الذى انتهى إلى رسول الله صلى الله عليه وآله ثم إلينا. (باب نادر فيه ذكر الغيب، ح ۲)

روایت متابع: حدثنا أحمد بن محمد بن الحسن بن محبوب عن على بن رئاب عن سدير قال سمعت حمران بن أعين يسئل عن أبي جعفر عليه السلام عن قول الله تعالى بديع السماوات والأرض قال أبو جعفر ان الله ابتدع الأشياء كلها على غير مثال كان قبله ... فهو العلم الذى انتهى إلى رسول الله صلى الله عليه وآله ثم إلينا. (صفار، ۱۴۰۴: ۱۳۳، ح ۱)



٢-٣-٤-٤. أحمد بن محمد و محمد بن يحيى، عن محمد بن الحسين، عن إبراهيم بن إسحاق الأحمر، عن عبد الله بن حماد، عن سيف التمار قال: كنا مع أبي عبد الله عليه السلام جماعة من الشيعة في الحجر فقال: علينا عين، فالتفتنا يمنة ويسرة فلم نر أحداً... وقد ورثناه من رسول الله صلى الله عليه وآله وراثته. (باب إن الأئمة عليهم السلام يعلمون علم ما كان وما يكون و انه لا يخفى عليهم الشئ، ح ١)

روایت متابع: حدّثنا أحمد بن إسحاق عن عبد الله بن حماد عن سيف التمار قال كنا مع أبي عبد الله عليه السلام جماعة من الشيعة في الحجر فقال علينا عين فالتفتنا يمنة ويسره فلم نر أحد... فورثناه من رسول الله صلى الله عليه وآله وراثته. (صفر، ١٤٠٤: ١٤٩، ح ١)

٥-٤. امامت خاصه

١-٥-٤. أحمد بن مهران، عن محمد بن علي، عن زياد بن مروان القندي و كان من الواقفة قال: دخلت على أبي إبراهيم وعنده ابنه أبو الحسن عليه السلام، فقال لي يا زياد هذا ابني فلان، كتابه كتابي وكلامه كلامي ورسوله رسولي وما قال فالقول قوله. (باب الإشارة والنص على أبي الحسن الرضا عليه السلام، ح ٦)

روایت متابع: حدّثنا أبي محمد قال: حدّثنا سعد بن عبد الله عن محمد بن عيسى بن عبيد عن زياد بن مروان القندي قال: دخلت على أبي إبراهيم عليه السلام وعنده على ابنه فقال لي: يا زياد هذا كتابه كتابي وكلامه كلامي ورسوله رسولي وما قال فالقول قوله. (صدوق، ١٤٠٤: ٣٩/٢، ح ٢٥)

٢-٥-٤. علي بن محمد، عمّن ذكره، عن محمد بن أحمد العلوي، عن داود بن القاسم قال: سمعت أبا الحسن عليه السلام يقول: الخلف من بعدى الحسن، فكيف لكم بالخلف من بعد الخلف؟ فقلت: ولم؟ جعلني الله فداك؟ فقال: إنكم لا ترون شخصه ولا يحلّ لكم ذكره باسمه... (باب الإشارة والنص على أبي محمد عليه السلام، ح ١٣)

روایات متابع:

١- أبي رحمه الله قال: حدّثنا سعد بن عبد الله قال: حدّثنا محمد بن أحمد العلوي، عن أبي هاشم الجعفری قال: سمعت أبا الحسن العسكري عليه السلام يقول: الخلف من بعدى الحسن ابنی فكيف لكم بالخلف من بعد الخلف قلت: ولم؟ جعلني الله فداك فقال لأنكم لا ترون شخصه ولا يحلّ لكم ذكره باسمه... (صدوق، ١٣٨٥: ٢٤٥/١، ح ٥)

۲- حدّثنا محمّد بن الحسن رضی اللہ عنہ قال: حدّثنا سعد بن عبد اللہ قال: حدّثنا أبو جعفر محمّد بن أحمد العلوی، عن أبي هاشم داود بن القاسم الجعفری قال: سمعت أبا الحسن صاحب العسكر عليه السلام يقول: الخلف من بعدی ابني الحسن فكيف لكم بالخلف من بعد الخلف؟ فقلت: ولم جعلني الله فداك؟ فقال: لأنكم لا ترون شخصه ولا يحل لكم ذكره باسمه ... (صدوق، ۱۴۰۵: ۳۸۱، ح ۵)

۴-۶. امامان دوازده گانه

۴-۶-۱. محمّد بن يحيى، عن عبد الله بن محمّد عن الخشاب، عن ابن سماعة، عن علي بن الحسن بن رباط، عن ابن اذينة، عن زرارة قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: الاثنا عشر الإمام من آل محمّد عليهم السلام كلّهم محدّث من ولد رسول الله صلّى الله عليه وآله ومن ولد علي، ورسول الله وعلی علیهما السلام هما الوالدان، فقال عبد الله بن راشد وکان أخا علی ابن الحسين لأمّه وأنكر ذلك فصرّر أبو جعفر عليه السلام وقال: أما إن ابن أمك كان أحدهم. (باب ما جاء في الاثنی عشر والنصّ علیهم، ح ۷)

روایت متابع: أخبرنا أحمد بن محمّد بن سعيد بن عقدة الكوفي، قال: حدّثنا يحيى بن زكريا بن شيان من كتابه في سنة ثلاث وسبعين ومائتين، قال: حدّثنا علي بن سيف بن عميرة، قال: حدّثنا أبان بن عثمان، عن زرارة، عن أبي جعفر الباقر عليه السلام، عن آبائه عليه السلام، قال: قال رسول الله ﷺ: إن من أهل بيتي اثنا عشر محدّثا. فقال له رجل يقال له عبد الله بن زيد وكان أخا علي بن الحسين من الرضاعة: سبحان الله، محدّثا! كالمنكر لذلك. قال: فأقبل عليه أبو جعفر (عليه السلام)، فقال له: أما والله إن ابن أمك كان كذلك - يعني علي بن الحسين (عليه السلام) - (نعماني، ۱۴۲۲: ۷۲-۷۳، ح ۶)

۴-۷. مباحث مهدويت و غيبت

۴-۷-۱. علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن محمّد بن خالد، عن عمّن حدّثه، عن المفصّل بن عمر، و محمّد بن يحيى، عن عبد الله بن محمّد بن عيسى، عن أبيه، عن بعض أصحابه، عن المفصّل بن عمر، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: أقرب ما يكون العباد من الله جلّ ذكره وأرضى ما



يكون عنهم إذا افتقدوا حجة الله جلّ وعزّ و لم يظهر لهم و لم يعلموا مكانه ... (باب نادر فى حال الغيبة، ح ١)

روایت متابع: حدّثنا أبى، ومحمّد بن الحسن رضى الله عنهما قالاً: حدّثنا سعد بن عبد الله وعبد الله بن جعفر الحميرى جميعاً، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن محبوب عن محمد بن النعمان قال: قال لى أبو عبد الله عليه السلام: أقرب ما يكون العبد إلى الله عز وجل وأرضى ما يكون عنه إذا افتقدوا حجة الله فلم يظهر لهم، وحجب عنهم فلم يعلموا بمكانه ... (صدوق، ١٤٠٥: ٣٣٩، ح ١٧)

٢-٧-٤. الحسين بن أحمد، عن أحمد بن هلال قال: حدّثنا عثمان بن عيسى، عن خالد بن نجیح، عن زرارة بن أعين قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: لا بدّ للغلام من غيبة، قلت: ولم؟ قال: يخاف و أوماً بيده إلى بطنه ... قال زرارة: فقلت: و ما تأمرنى لو أدركت ذلك الزّمان؟ قال: ادع الله بهذا الدّعاء: اللهمّ عرفنى نفسك ... (باب فى الغيبة، ح ٢٩)

روایت متابع: على بن إبراهيم، عن الحسن بن موسى الخشاب، عن عبد الله بن موسى عن عبد الله بن بكير، عن زرارة قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: إن للغلام غيبة قبل ان يقوم، قال: قلت ولم؟ قال: يخاف و أوماً بيده إلى بطنه ... قلت: جعلت فداك إن أدركت ذلك الزمان أى شئ اعمل؟ قال: يا زرارة إذا أدركت هذا الزمان فادع بهذا الدعاء «اللهم عرفنى نفسك ...» (كلينى، ١٣٦٩: ٣٣٧/١، ح ٥)

٨-٤. ویژگی عصر ظهور

١-٨-٤. محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن سنان، عن أبان قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: لا تذهب الدنيا حتّى يخرج رجل مّنى يحكم بحكومة آل داود و لا يسأل بينة، يعطى كلّ نفس حقّها. (باب فى الأئمة عليهم السلام انهم اذا ظهر امرهم حكموا بحكم داود و آل داود و لا يسألون البينة، ح ٢)

روایت متابع: حدّثنا عبد الله بن جعفر عن محمد بن عيسى عن يونس عن حريز قال سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول لن تذهب الدنيا حتى يخرج رجل منا أهل البيت يحكم بحكم داود و لا يسئل الناس بينة. (صفار، ١٤٠٤: ٢٧٩، ح ٤)

۴-۸-۲. أحمد بن مهران رحمه الله عن محمد بن علي، عن ابن محبوب، عن هشام بن سالم، عن عمار الساباطي قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: ما منزلة الأئمة قال: كمنزلة ذى القرنين و كمنزلة يوشع و كمنزلة آصف صاحب سليمان، قال: فبما تحكمون؟ قال: بحكم الله و حكم آل داود و حكم محمد صلى الله عليه و آله و يتلقانا به روح القدس. (باب في الأئمة عليهم السلام انهم اذا ظهر امرهم حكموا بحكم داود و آل داود و لا يسألون البينة، ح ۵)

روایت متابع قسمت اول: حدّثنا أحمد بن محمد عن الحسن بن محبوب عن هشام بن سالم عن عمار قال قلت لأبي عبد الله عليه السلام ما منزلتهم أنبياءهم قال لا ولكنهم علماء كمنزلة ذى القرنين في علمه و كمنزلة صاحب موسى و كمنزلة صاحب سليمان. (صفار، ۱۴۰۴: ۳۸۶، ح ۵)

روایت متابع قسمت دوم: محمد، عن أحمد بن محمد، عن ابن محبوب، عن هشام بن سالم، عن عمار الساباطي قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: بما تحكمون إذا حكمتم؟ قال: بحكم الله و حكم داود فإذا ورد علينا الشئ الذي ليس عندنا، تلقانا به روح القدس. (كليني، ۱۳۶۹: ۳۹۸/۱، ح ۳)

۴-۹. امامان، مصداق برتر آیات قرآن

۴-۹-۱. الحسين بن محمد الأشعري، عن معلى بن محمد، عن أبي داود المسترق قال: حدّثنا داود الجصّاص قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: «وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ» قال: النجم رسول الله صلى الله عليه و آله و العلامات هم الأئمة عليهم السلام. (باب إنّ الأئمة عليهم السلام هم العلامات التي ذكرها الله عزّ و جلّ في كتابه، ح ۱)

روایت متابع: حدّثنا محمد بن محمد، قال: حدّثني أبو القاسم جعفر بن محمد بن قولويه (رحمه الله)، قال: حدّثني أبي، قال: حدّثني سعد بن عبد الله، قال: حدّثني أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن محبوب، عن منصور بزرج، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله جعفر بن محمد (عليهما السلام) في قول الله (عز وجل): «وعلامات وبالنجم هم يهتدون»، قال: النجم رسول الله (صلى الله عليه وآله)، والعلامات الأئمة من بعده (عليهم السلام). (نعماني، ۱۴۲۲: ۱۶۳، ح ۲۷۰/۲۲)

۴-۹-۲. علي بن محمد، عن عبد الله بن علي، عن إبراهيم بن إسحاق، عن عبد الله بن حمّاد، عن بريد بن معاوية، عن أحدهما عليهما السلام في قول الله عزّ و جلّ: «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ



إِلَّا اللَّهَ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» فرسول الله صلى الله عليه وآله أفضل الراسخين في العلم ...
(باب ان الراسخين في العلم هم الأئمة عليهم السلام، ح ۲)

روایت متابع: حدّثنا يعقوب بن يزيد عن محمد بن أبي عمير عن عمر بن أذينة عن بريد العجلي عن أبي جعفر عليه السلام في قول الله تعالى وما يعلم تأويله الا الله والراسخون في العلم قال رسول الله صلى الله عليه وآله أفضل الراسخين ... (صفار، ۱۴۰۴: ۲۲۳، ح ۴)

۴-۱۰. تفسیر روایی آیات ولایت

۴-۱۰-۱. احمد بن مهران، عن عبد العظيم بن عبد الله الحسني، عن علي بن أسباط عن إبراهيم بن عبد الحميد، عن زيد الشحام قال: قال لي أبو عبد الله ... فقرأت: ... يوم لا يغني مؤلّي عن مؤلّي شيئاً ولا هم ينصرون. إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ فقال أبو عبد الله عليه السلام: نحن والله الذي رحم الله ... (باب فيه نكت و نتف من التنزيل في الولاية، ح ۵۶)

روایت متابع: محمد بن العباس عن حميد بن زياد عن عبد الله بن أحمد عن ابن أبي عمير عن إبراهيم بن عبد الحميد عن أبي أسامة زيد الشحام قال: كنت عند أبي عبد الله عليه السلام ... فقرأت حتى إذا بلغت: «يوم لا يغني مولی عن مولی شيئاً ولا هم ينصرون» قال: هم قال: قلت: «إلا من رحم الله» قال: نحن القوم الذين رحم الله ... (حسيني استرآبادی، ۱۴۰۹: ۵۵۶-۵۵۷، ح ۶)

تذکر: شرف الدين على استرآبادی (م ۹۶۵ ه.ق) مؤلف کتاب «تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة» که خود مورد تمجید فراوان علمای قریب العهد خود می باشد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳/۱؛ حر عاملی، بی تا: ۱۳۱/۲)، نیمی از کتاب «ما نزل من القرآن في أهل البيت عليهم السلام» اثر مفسر مشهور، محمد بن عباس بن علی بن مروان بن ماهیار ثقه (نجاشی، ۱۴۱۶: ۳۷۹، ش ۱۰۳۰) را در اختیار داشته (حسيني استرآبادی، ۱۴۰۹: ۲۷۸) و این نقل وجادهای معتبر است.

۴-۱۰-۲. محمد بن يعقوب الكليني، عن محمد بن الحسن، و علی بن محمد، عن سهل بن زياد، عن ابن محبوب، عن ابن رثاب، عن بكير بن أعين قال: كان أبو جعفر عليه السلام يقول: إنَّ الله أخذ ميثاق شيعتنا بالولاية و هم ذرّ، يوم أخذ الميثاق على الذرّ و الاقرار له بالرّبوبية و لمحمد صلّى الله عليه وآله بالنبوّة. (باب فيه نتف و جوامع من الرواية في الولاية، ح ۱)

روایت متابع: عنه {أحمد بن محمد بن خالد البرقي}، عن الحسن بن محبوب، عن علي بن رثاب، عن بكير بن أعين، قال: كان أبو جعفر عليه السلام يقول: ان الله تبارك وتعالى أخذ ميثاق شيعتنا بالولاية لنا وهم ذر يوم أخذ الميثاق على الذر بالاقرار له بالربوبية ولمحمد صلى الله عليه وآله بالنبوة... (برقي، ۱۳۷۰: ۱/۱۳۵، ح ۱۶)

۴-۱۱. تاریخ زندگانی معصومان عليهم السلام

۴-۱۱-۱. عده من أصحابنا عن أحمد بن محمد عن ابن فضال عن أبي جميلة عن محمد الحلبي عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن رسول الله صلى الله عليه وآله قال: إن الله مثل لي أمّتي في الطين وعلّمني أسماءهم كما علّم آدم الأسماء كلّها... (باب مولد النبي صلى الله عليه وآله ووفاته، ح ۱۵)

روایت متابع: حدّثنا العباس بن معروف عن حماد بن عيسى عن حريز عن ابن خربوز عن أبي جعفر عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلّي ان ربي مثل لي أمّتي في الطين وعلّمني أسمائهم كلّها كما علّم آدم الأسماء كلّها... (صفار، ۱۴۰۴: ۱۰۵-۱۰۶، ح ۱۱)

۴-۱۱-۲. محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن صفوان بن يحيى قال: لما مضى أبو إبراهيم عليه السلام وتكلّم أبو الحسن عليه السلام خفنا عليه من ذلك... فقال: ليجهد جهده فلا سبيل له على. (باب مولد أبي الحسن الرضا عليه السلام، ح ۲)

روایات متابع:

۱- حدّثنا أحمد بن زياد بن جعفر الهمداني رضی الله عنه قال: حدّثنا علي بن إبراهيم بن هاشم عن محمد بن عيسى بن عبيد عن صفوان بن يحيى قال: لما مضى أبو الحسن موسى بن جعفر عليه السلام وتكلّم الرضا عليه السلام خفنا عليه من ذلك... فقال ليجهد جهده فلا سبيل له على. (صدوق، ۱۴۰۴: ۱/۲۴۶، ح ۴)

۲- أخبرني أبو القاسم جعفر بن محمد، عن محمد بن يعقوب، عن محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن صفوان بن يحيى قال: لما مضى أبو إبراهيم عليه السلام وتكلّم أبو الحسن الرضا عليه السلام خفنا عليه من ذلك... فقال: ليجهد جهده فلا سبيل له على. (مفيد، ۱۴۱۴: ۲/۲۵۵)

۴-۱۲. روایات فقهی مبحث امامت

۴-۱۲-۱. عدّة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن القاسم بن محمد، عن رفاعه، عن أبان بن تغلب، عن أبي عبد الله عليه السلام في الرجل يموت، لا وارث له ولا مولى قال: هو من أهل هذه الآية، «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ». (باب الفیء و الانفال و تفسیر الخمس و حدوده و ما يجب فيه، ح ۱۸)

روایت متابع: عنه {الحسن بن محمد بن سماعة} عن محمد بن زياد عن رفاعه عن أبان بن تغلب قال: قال أبو عبد الله عليه السلام من مات لا مولى له ولا ورثة فهو من أهل هذه الآية «يسئلونك عن الأنفال قل الأنفال لله والرسول». (طوسی، ۱۳۶۴: ۳۸۶/۹-۳۸۷، ح (۱۳۸۰) ۲) تذكّر: طریق شیخ طوسی تا حسن بن محمد بن سماعة در مشیخه تهذیب معتبر است (همان، ۷۵/۱۰).

۴-۱۲-۲. سهل، عن إبراهيم بن محمد الهمداني قال: كتبت إلى أبي الحسن عليه السلام: أقرأني على بن مهزيار كتاب أبيك عليه السلام فيما أوجبه على أصحاب الضياع نصف السدس بعد المئونة وأنه ليس على من لم تقم ضيعته بمئنته نصف السدس ولا غير ذلك فاختلف من قبلنا في ذلك فقالوا: يجب على الضياع الخمس بعد المئونة مئونة الضيعة وخراجها لا مئونة الرجل و عياله فكتب عليه السلام: بعد مئنته و مئونة عياله و [بعد] خراج السلطان. (باب الفیء و الانفال و تفسیر الخمس و حدوده و ما يجب فيه، ح ۲۴)

روایت متابع: علی بن مهزیار قال: کتب إليه عليه السلام إبراهيم بن محمد الهمداني أقرأني على كتاب أبيك ... فكتب - وقرأه على بن مهزيار - عليه الخمس بعد مؤنته ومؤنة عياله وبعد خراج السلطان. (طوسی، ۱۳۶۴: ۱۲۳/۴، ح (۳۵۴) ۱۱)

تذكّر: طریق شیخ طوسی تا علی بن مهزیار در مشیخه تهذیب معتبر است (همان، ۸۵)



نتیجه گیری

با توجه به نمونه‌هایی که در بالا آمد و همچنین مواردی که در پیوست این مقاله خواهد آمد، تعداد روایات ضعیف السند از کتاب الحجة که دارای متابع معتبر در سایر مصادر روایی می‌باشند، مطابق نظرات رجال آية الله خویی، ۹۰ مورد می‌باشد. از آنجا که از مجموع ۱۰۱۵ روایت این کتاب طبق دیدگاه ایشان و بر اساس شمارش نگارنده، تعداد روایات معتبر ۳۳۹ و تعداد روایات ضعیف السند ۶۷۶ روایت است (ثامنی، ۱۳۹۲: ۴۵۴)، بنابراین ۱۳/۳۱ درصد روایات ضعیف السند این کتاب دارای اسناد معتبر در مجامع روایی دیگر می‌باشند.

۱۵۳



سال اول. شماره دوم. پاییز و زمستان ۱۳۹۸

از طرفی چون در مفهوم «اعتبار» علاوه بر جستجوی روایات همسان (متابع)، کشف روایات مشابه (شاهد) نیز داخل است و در این مقاله تنها به پیگیری روایات متابع اقدام نموده‌ایم، اگر تعداد ۳۳۳ روایت برابر با ۴۹/۲۶ درصد احادیث ضعیف السند کتاب الحجة را که دارای شاهد معتبر می‌باشند - و نگارنده آنها را در پژوهش دیگر خود استخراج نموده است (همان) - به آمار بالا بیفزاییم، در مجموع ۷۵/۰۷ درصد از کل روایات کتاب الحجة دارای اعتبار سندی درونی یا بیرونی خواهد شد. در کنار این روش، بهره‌گیری از مفاهیمی همچون تواتر معنوی و استفاضه - که در طی مباحث این مقاله هیچ گاه از آنها استفاده نشده است - از فراوانی آمار روایات ضعیف به شدت خواهد کاست. بنابراین درصد پایینی از روایات کتاب الحجة پس از عملیات «اعتبار»، فاقد پشتوانه سندی معتبر (اعم از داخلی و خارجی) می‌باشند. بر این اساس نباید ضعف سند روایات در یک کتاب حدیثی را به معنای ضعف آن مضامین و یا سستی پایه‌های برخی از معارف دینی موجود در آن روایات پنداشت، بلکه می‌بایست با دید مجموعی به روایات نگریست و جهت تصحیح اسناد برخی از روایات ضعیف السند، از روایات مشابه آن در سایر مصادر روایی کمک گرفت. از طرفی با ملاحظه تنوع موضوعی باب‌هایی از کافی که دارای پشتوانه سندی معتبر (اعم از داخلی و بیرونی) می‌باشد که شامل همه مسائل حوزه امام‌شناسی، مانند امامت عامه و خاصه، صفات و ویژگی‌های برجسته امامان، به‌ویژه شاخصه علم الهی ایشان و نیز تاریخ زندگانی و احکام فقهی ناظر به موضوع امامت هست، اعتبار این مضامین از منظر علم رجال پذیرفتنی است. توضیح اینکه روایات ذیل هر یک از ابواب کتاب الحجة در مجموع خانواده حدیثی کوچکی از روایات آن موضوع تلقی



می‌شوند که در عنوان باب تبلور یافته که با معتبر بودن حتی یک روایت در مجموع آن خانواده حدیثی، آن اعتقاد از نظر سندی قابل دفاع خواهد بود و از آنجا که اکثر قریب به اتفاق ابواب ۱۳۰ گانه کتاب الحجة حداقل یک روایت معتبر را در خود جای داده‌اند، از این رو اشکالی به مسائل کلامی، تاریخی و فقهی منعکس شده در آنها از منظر سندشناسی وارد نخواهد بود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پیوست

در ادامه لیست کاملی از آدرس اسناد ضعیف السند کتاب الحجة و روایات متابع معتبر آنها که در این تحقیق به دست آمده است، ارائه می گردد:

۱- الاضطرار الى الحجة، ح ۳: صدوق، ۱۳۸۵: ۱۹۳/۱ - ۱۹۵، ح ۲؛ همو، ۱۴۰۵: ۲۰۷،

ح ۲۲

۲- الاضطرار إلى الحجة، ح ۴: مفید، ۱۴۱۴: ۱۹۴/۲ - ۱۹۹

۳- ان الحجة لا تقوم لله على خلقه إلا بإمام، ح ۳: کلینی، ۱۳۶۹: ۱۷۷/۱، ح ۲

۴- إن الأرض لا تخلو من حجة، ح ۴: صفار، ۱۴۰۴: ۵۰۵، ح ۵

۵- إن الأرض لا تخلو من حجة، ح ۷: صدوق، ۱۴۰۵: ۳۰۲، ح ۱۱

۶- إن الأرض لا تخلو من حجة، ح ۱۱: صفار، ۱۴۰۴: ۵۰۸، ح ۱؛ صدوق، ۱۳۸۵:

۱۹۷/۱ - ۱۹۸، ح ۱۵

۷- إنه لو لم يبق في الأرض إلا رجلان لكان أحدهما الحجة، ح ۱: کلینی، ۱۳۶۹: ۱۸۰/۱،

ح ۵

۸- إنه لو لم يبق في الأرض إلا رجلان لكان أحدهما الحجة، ح ۲: کلینی، ۱۳۶۹: ۱۸۰/۱،

ح ۵

۹- إنه لو لم يبق في الأرض إلا رجلان لكان أحدهما الحجة، ح ۴: کلینی، ۱۳۶۹: ۱۸۰/۱،

ح ۵

۱۰- معرفة الإمام والرد إليه، ح ۱: کلینی، ۱۳۶۹: ۱۸۱/۱، ح ۴

۱۱- معرفة الإمام والرد إليه، ح ۹: صفار، ۱۴۰۴: ۵۱۶-۵۱۷، ح ۶

۱۲- فرض طاعة الأئمة، ح ۴: صفار، ۱۴۰۴: ۵۵، ح ۲؛ ۵۲۹، ح ۱۴

۱۳- فرض طاعة الأئمة، ح ۹: صفار، ۱۴۰۴: ۴۹۹، ح ۱

۱۴- فرض طاعة الأئمة، ح ۱۶: کلینی، ۱۳۶۹: ۱۸۷/۱، ح ۷

۱۵- إن الأئمة عليهم السلام نور الله عز وجل، ح ۱: قمی، ۱۴۰۴: ۳۷۱/۲ - ۳۷۲

۱۶- إن الأئمة عليهم السلام نور الله عز وجل، ح ۴: قمی، ۱۴۰۴: ۳۷۱/۲ - ۳۷۲



- ح ۲۲/۲۷۰- ۱۷- إن الأئمة هم العلامات التي ذكرها الله عزّ وجلّ في كتابه، ح: ۱: «الف»: ۱۶۳،
- ح ۲۲/۲۷۰- ۱۸- إن الأئمة هم العلامات التي ذكرها الله عزّ وجلّ في كتابه، ح: ۲: طوسی، ۱۴۱۴
- «الف»: ۱۶۳، ح ۲۲/۲۷۰- ۱۹- ما فرض الله عزّ وجلّ ورسوله ﷺ من الكون مع الأئمة، ح: ۳: ابن بابويه، ۱۴۰۴:
- ح ۲۴- ۴۴، ح ۲۴- ۲۰- ما فرض الله عزّ وجلّ ورسوله ﷺ من الكون مع الأئمة، ح: ۵: صفار، ۱۴۰۴: ۶۹،
- ح ۴- ۲۱- ما فرض الله عزّ وجلّ ورسوله ﷺ من الكون مع الأئمة، ح: ۷: برقي، ۱۳۷۰:
- ح ۷۴/۱، ۱۵۲/۱- ۲۲- إن من وصفه الله تعالى في كتابه بالعلم هم الأئمة، ح: ۱: صفار، ۱۴۰۴: ۷۴، ح: ۱:
- كليني، ۱۳۶۹: ۲۱۲/۱، ح ۲- ۲۳- إن الراسخين في العلم هم الأئمة عليهم السلام، ح: ۲: صفار، ۱۴۰۴: ۲۲۳، ح ۴:
- ح ۷۶- ۷۷، ح ۲- ۲۴- إن الأئمة عليهم السلام معدن العلم وشجرة النبوة ومختلف الملائكة، ح: ۱: صفار، ۱۴۰۴:
- ح ۲۵- ۲۶- إن الأئمة عليهم السلام ورثوا علم النبي وجميع الانبياء والاصياء الذين من قبلهم، ح: ۳:
- صفار، ۱۴۰۴: ۱۵۵، ح ۱- ۲۶- إن الأئمة عليهم السلام عندهم جميع الكتب التي نزلت من عند الله عزّ وجلّ وإنهم يعرفونها
- على اختلاف سنتها، ح: ۲: صفار، ۱۴۰۴: ۳۶۱، ح ۳- ۲۷- إنه لم يجمع القرآن كله إلا الأئمة عليهم السلام وإنهم يعلمون علمه كله، ح: ۴: صفار، ۱۴۰۴:
- ح ۲۱۸- ۲۱۷، ح: ۳: كليني، ۱۳۶۹: ۶۱/۱، ح ۸- ۲۸- ما أعطى الأئمة من اسم الله الاعظم، ح: ۲: صفار، ۱۴۰۴: ۲۲۹، ح ۴:
- ح ۲۹- ۳۰- ما عند الأئمة عليهم السلام من آيات الانبياء، ح: ۳: نعماني، ۱۴۲۲: ۲۴۴، ح ۲۹:
- ح ۳۰- ۳۵- ما عند الأئمة عليهم السلام من آيات الانبياء، ح: ۵: قمي، ۱۴۰۴: ۳۵۴/۱- ۳۵۵:

- ۳۱- فيه ذكر الصحيفة و الجفر و الجامعة و مصحف فاطمة عليها السلام، ح ٤: صفار، ١٤٠٤: ١٧٨، ح ٢١: صفار، ١٤٠٤: ١٧٨، ح ٢٢
- ۳۲- إنّ الأئمة عليهم السلام يعلمون جميع العلوم التي خرجت إلى الملائكة و الأنبياء و الرسل عليهم السلام، ح ٣: صفار، ١٤٠٤: ١٢٩، ح ٣
- ۳۳- نادر فيه ذكر الغيب، ح ٢: صفار، ١٤٠٤: ١٣٣، ح ١
- ۳۴- إنّ الأئمة عليهم السلام يعلمون متى يموتون و أنّهم لا يموتون إلّا باختيار منهم، ح ٢: حميرى، ١٤١٣: ٣٣٣-٣٣٤، ح ١٢٣٦؛ صدوق، ١٤٠٤: ٩١/٢، ح ٢؛ همو، ١٤١٧: ٢١٣، ح ٢١/٢٣٧
- ۳۵- إنّ الأئمة عليهم السلام يعلمون متى يموتون و أنّهم لا يموتون إلّا باختيار منهم، ح ٦: صفار، ١٤٠٤: ٥٠٣، ح ٩
- ۳۶- إنّ الأئمة عليهم السلام يعلمون علم ما كان و ما يكون و أنّه لا يخفى عليهم الشئ صلوات الله عليهم، ح ١: صفار، ١٤٠٤: ١٤٩، ح ١
- ۳۷- إنّ الأئمة عليهم السلام يعلمون علم ما كان و ما يكون و أنّه لا يخفى عليهم الشئ صلوات الله عليهم، ح ٢: صفار، ١٤٠٤: ٢١٧-٢١٨، ح ٣؛ كلينى، ١٣٦٩: ٦١/١، ح ٨
- ۳۸- جهات علوم الأئمة عليهم السلام، ح ٢: صفار، ١٤٠٤: ٣٤٦، ح ٢؛ ٣٤٧، ح ٥
- ۳۹- إنّ الأئمة عليهم السلام محدّثون مفهمون، ح ٢: صفار، ١٤٠٤: ٣٤٠، ح ٤
- ۴۰- الروح التي يسدّد الله بها الأئمة عليهم السلام، ح ٢: صفار، ١٤٠٤: ٤٧٧، ح ١٢
- ۴۱- الروح التي يسدّد الله بها الأئمة عليهم السلام، ح ٥: صفار، ١٤٠٤: ٤٧٩، ح ٣
- ۴۲- إنّ الإمام عليه السلام يعرف الإمام الذي يكون من بعده و أنّ قول الله تعالى إنّ الله يأمركم أن تؤدّوا الأمانات إلى أهلها فيهم عليهم السلام نزلت، ح ٣: كلينى، ١٣٦٩: ٢٧٦/١، ح ٢
- ۴۳- ثبات الإمامة في الأعقاب و أنّها لا تعود في أخ و لا عمّ و لا غيرهما من القرابات، ح ٢: ابن بابويه، ١٤٠٤: ٥٧، ح ٤١
- ۴۴- الإشارة و النصّ على أمير المؤمنين عليه السلام، ح ٨: صفار، ١٤٠٤: ٣٠٣، ح ٤
- ۴۵- الإشارة و النصّ على على بن الحسين صلوات الله عليهما، ح ٢: كلينى، ١٣٦٩: ٣٠٣/١-٣٠٤، ح ١
- ۴۶- الإشارة و النصّ على أبي جعفر عليه السلام، ح ٣: كلينى، ١٣٦٩: ٣٠٦/١، ح ٤



- ٤٧- الإشارة و النصّ على أبي الحسن الرضا عليه السلام، ح ٦: صدوق، ١٤٠٤: ٣٩/٢، ح ٢٥
- ٤٨- الإشارة و النصّ على أبي الحسن الرضا عليه السلام، ح ٨: صدوق، ١٤٠٤: ٣٩/٢، ح ٢٣
- ٤٩- الإشارة و النصّ على أبي الحسن الرضا عليه السلام، ح ١٢: كشى، ١٣٤٨: ٤٥١، ح ٨٤٩؛ صدوق، ١٤٠٤: ٣٩/٢-٤٠، ح ٢٦
- ٥٠- الإشارة و النصّ على أبي جعفر الثانى عليه السلام، ح ٦: كلينى، ١٣٦٩: ٣٢٠/١، ح ٢
- ٥١- الإشارة و النصّ على أبي جعفر الثانى عليه السلام، ح ٧: كشى، ١٣٤٨: ٥٥٣، ح ١٠٤٤
- ٥٢- الإشارة و النصّ على أبي محمد عليه السلام، ح ٤: كلينى، ١٣٦٩: ٣٢٦-٣٢٧، ح ٨
- ٥٣- الإشارة و النصّ على أبي محمد عليه السلام، ح ٩: كلينى، ١٣٦٩: ٣٢٦-٣٢٧، ح ٨
- ٥٤- الإشارة و النصّ على أبي محمد عليه السلام، ح ١٠: طوسى، ١٤١٤ «ب»: ٨٢-٨٣، ح ٨٤؛ ٢٠٠، ح ١٦٧
- ٥٥- الإشارة و النصّ على أبي محمد عليه السلام، ح ١٣: صدوق، ١٣٨٥: ٢٤٥/١، ح ٥؛ صدوق، ١٤٠٥: ٣٨١، ح ٥
- ٥٦- النهي عن الإسم، ح ١: صدوق، ١٣٨٥: ٢٤٥/١، ح ٥
- ٥٧- نادر في حال الغيبة، ح ١: صدوق، ١٤٠٥: ٣٣٩، ح ١٧
- ٥٨- في الغيبة، ح ١٣: صدوق، ١٤٠٥: ٣٠٢، ح ١١
- ٥٩- في الغيبة، ح ٢٩: كلينى، ١٣٦٩: ٣٣٧/١، ح ٥
- ٦٠- ما يفصل به بين دعوى المحقّ والمبطل فى أمر الإمامة، ح ٤: طوسى، ١٤١٤ «ب»:
- ٢٠٣-٢٠٤، ح ١٧١
- ٦١- ما يفصل به بين دعوى المحقّ والمبطل فى أمر الإمامة، ح ١١: كشى، ١٣٤٨: ٥٥٣، ح ١٠٤٤
- ٦٢- كراهية التوقيت، ح ٢: ابن بابويه، ١٤٠٤: ٩٥، ح ٨٧
- ٦٣- كراهية التوقيت، ح ٦: طوسى، ١٤١٤ «ب»: ٣٤١-٣٤٣، ح ٢٩٢
- ٦٤- إنّه من عرف إمامه لم يضرّه تقدّم هذا الأمر أو تأخّر، ح ٧: نعمانى، ١٤٢٢: ٣٥٢، ح ٧
- ٦٥- من ادّعى الإمامة و ليس لها بأهل و من جحد الأئمّة عليهم السلام أو بعضهم و من أثبت الإمامة لمن ليس لها بأهل، ح ٢: صدوق، ١٣٦٨: ٢١٤

- ۶۶- من ادّعى الإمامة و ليس لها بأهل و من جحد الأئمة عليهم السلام أو بعضهم و من أثبت الإمامة لمن ليس لها بأهل، ح: ۳: قمی، ۱۴۰۴: ۲/۲۵۱
- ۶۷- من ادّعى الإمامة و ليس لها بأهل و من جحد الأئمة عليهم السلام أو بعضهم و من أثبت الإمامة لمن ليس لها بأهل، ح: ۱۲: کلینی، ۱۳۶۹: ۱/۳۷۳، ح: ۴
- ۶۸- موالید الأئمة عليهم السلام، ح: ۲: قمی، ۱۴۰۴: ۱/۲۱۵
- ۶۹- خلق أبدان الأئمة و ارواحهم و قلوبهم عليهم السلام، ح: ۴: قمی، ۱۴۰۴: ۲/۴۱۱
- ۷۰- التسليم و فضل المسلمين، ح: ۸: کلینی، ۱۳۶۹: ۱/۵۱، ح: ۱
- ۷۱- فى الأئمة عليهم السلام أنّهم إذا ظهر أمرهم حکموا بحکم داود و آل داود و لا یسألون البینة علیهم السلام، ح: ۲: صفار، ۱۴۰۴: ۲/۲۷۹، ح: ۴
- ۷۲- فى الأئمة عليهم السلام أنّهم إذا ظهر أمرهم حکموا بحکم داود و آل داود و لا یسألون البینة علیهم السلام، ح: ۵: صفار، ۱۴۰۴: ۳۸۶، ح: ۵؛ کلینی، ۱۳۶۹: ۱/۳۹۸، ح: ۳
- ۷۳- أنّه لیس شیءٌ من الحقّ فی ید الناس إلّا ما خرج من عند الأئمة عليهم السلام و أنّ کل شیء لم یرج من عندهم فهو باطل، ح: ۵: صفار، ۱۴۰۴: ۲۹-۳۰، ح: ۳؛ کشی، ۱۳۴۸: ۲۰۹-۲۱۰، شماره ۳۷۰
- ۷۴- ما أمر النبی صلی الله علیه و آله و سلم بالنصیحة لأئمة المسلمين و اللزوم لجماعتهم و من هم، ح: ۲: کلینی، ۱۳۶۹: ۱/۴۰۳، ح: ۱
- ۷۵- فيه نکت و نتفّ من التنزیل فی الولاية، ح: ۷: قمی، ۱۴۰۴: ۲/۲۷۵
- ۷۶- فيه نکت و نتفّ من التنزیل فی الولاية، ح: ۳۲: کلینی، ۱۳۶۹: ۱/۲۲۳-۲۲۴، ح: ۱
- ۷۷- فيه نکت و نتفّ من التنزیل فی الولاية، ح: ۴۳: قمی، ۱۴۰۴: ۲/۳۰۸
- ۷۸- فيه نکت و نتفّ من التنزیل فی الولاية، ح: ۵۶: حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹: ۵۵۶-۵۵۷، ح: ۶
- ۷۹- فيه نتف و جوامع من الروایة فی الولاية، ح: ۱: برقی، ۱۳۷۰: ۱/۱۳۵، ح: ۱۶
- ۸۰- فيه نتف و جوامع من الروایة فی الولاية، ح: ۴: صفار، ۱۴۰۴: ۹۴، ح: ۱
- ۸۱- مولد النبی صلی الله علیه و آله و سلم و وفاته، ح: ۱۵: صفار، ۱۴۰۴: ۱۰۵-۱۰۶، ح: ۱۱
- ۸۲- مولد الزهراء فاطمة، ح: ۹: طوسی، ۱۳۶۴: ۳، ص ۲۵۵، ح: ۲۵ (۷۰۵)



- ۸۳- مولد أبي الحسن موسى بن جعفر عليه السلام، ح ۷: صفار، ۱۴۰۴: ۲۸۵، ح ۱۳
- ۸۴- مولد أبي الحسن الرضا عليه السلام، ح ۲: صدوق، ۱۴۰۴: ۲۴۶/۱، ح ۴: مفید، ۱۴۱۴:

۲۵۵/۲

- ۸۵- مولد أبي محمد الحسن بن علي عليه السلام، ح ۲۶: مفید، ۱۴۱۴: ۳۳۴/۲-۳۳۵
- ۸۶- مولد الصاحب عليه السلام، ح ۱۲: صدوق، ۱۴۰۵: ۴۹۱، ح ۱۴
- ۸۷- مولد الصاحب عليه السلام، ح ۱۴: صدوق، ۱۴۰۵: ۴۹۸-۴۹۹، ح ۲۳
- ۸۸- ما جاء في الإثني عشر والنص عليهم عليهم السلام، ح ۷: نعمانی، ۱۴۲۲: ۷۲-۷۳، ح ۶
- ۸۹- الفیء و الأنفال و تفسیر الخمس و حدوده و ما یجب فیہ، ح ۱۸: طوسی، ۱۳۶۴:
- ۹۰- الفیء و الأنفال و تفسیر الخمس و حدوده و ما یجب فیہ، ح ۲۴: طوسی، ۱۳۶۴:
- ۱۲۳/۴، ح (۳۵۴) ۱۱



پی‌نوشت‌ها

۱. به عنوان مثال ایشان وجود مشکلاتی همچون وهم، اضطراب و تخلیط در متن روایت را سبب ضعف روایت قلمداد نموده است: هر چند که سند روایت معتبر و صحیح باشد (ر.ک: ۱۴۰۱: ۱/ بخش مقدمه). پر واضح است که در تعیین مصادیق روایات دارای وهم و اضطراب و تخلیط، با توجه به اختلاف دیدگاه‌های کلامی حدیث پژوهان، نمی‌توان تشخیص یک فرد را به حساب سایرین گذاشت.

۲. چنان‌که مشاهده می‌شود، در سند کافی، این واقعه از امام صادق علیه السلام و در سند بصائر، از امام باقر علیه السلام نقل شده و بسیار بعید است که این ماجرا متعدد واقع شده باشد. با توجه به اینکه موسی بن اکیل نمیری در طبقه راویان امام صادق علیه السلام است و روایت بی‌واسطه وی از امام باقر علیه السلام معهود نیست (نک: خوبی، ۱۴۱۳: ۲۴/۲۰، ش ۱۲۷۵۹). به نظر می‌رسد در سند بصائر تصحیف صورت گرفته و قضیه مربوط به امام صادق علیه السلام باشد.





منابع و مآخذ

۱. ابن بابویه، علی بن حسین؛ (۱۴۰۴ق)، *الإمامة والتبصرة من الحيرة*، تحقیق: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، قم: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام.
۲. اسماعیلی، ذبیح الله (۱۳۹۳ش)، «امامت، عدالت، عقلانیت» <http://www.emamat.ir/> امامت-پژوهی/نقد-و-بررسی-/item/3636، عدالت، -عقلانیت-ذبیح-الله-اسماعیلی.html.
۳. انصاری، حسن (۲۰۰۶م)، «سخنی با آقای کدیور» <http://ansari.kateban.com/post/1364>.
۴. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۰ق)، *المحاسن*، تصحیح: سید جلال الدین حسینی، تهران: دار الكتب الاسلامية.
۵. بهبودی، محمدباقر (۱۳۶۳ش)، *گزیده کافی*، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۶. _____ (۱۴۰۱ق)، *صحیح کافی*، بیروت: الدار الاسلامية.
۷. ثامنی، علی (۱۳۹۲ش)، *اعتباریابی احادیث کتاب الحجة کافی*، دانشگاه فردوسی مشهد، <https://irandoc.ac.ir/>.
۸. جواهری، محمد (۱۴۲۴ق)، *المفید من معجم رجال الحديث*، قم: مكتبة المحلاتی.
۹. حجت، هادی (۱۳۸۶ش)، «ارزیابی اسناد کافی از منظر علامه مجلسی در مرآة العقول»، *علوم حدیث*، قم: شماره ۴۵ و ۴۶، پاییز و زمستان، صص ۱۶۶-۱۹۲.
۱۰. حسینی استرآبادی، سید شرف الدین (۱۴۰۹ق)، *تأویل الآيات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة*، تحقیق: حسین ولی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۱۱. حمیری قمی، عبد الله (۱۴۱۳ق)، *قرب الإسناد*، تحقیق: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
۱۲. خطیب، محمد عجاج (۱۴۰۱ق)، *اصول الحديث، علومه و مصطلحه*، بیروت: دار الفکر.
۱۳. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳ق)، *معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة*، بی جا: بی نا.

۱۴. سیوطی، عبد الرحمن بن أبي بكر (۲۰۰۹م)، *تدريب الراوى فى شرح تقريب النووى*، تحقيق: عبد الرحمن المحمّدى، بيروت: دار الكتب العلمية.
۱۵. شهرزورى، عثمان بن عبد الرحمن (۱۴۱۶ق)، *مقدمة ابن الصلاح فى علوم الحديث*، تحقيق: صلاح بن محمّد بن عويضة، بيروت: دار الكتب العلمية.
۱۶. صدر، سيد حسن (بى تا)، *نهاية الدراية شرح الوجيزة للشيخ البهائى*، تحقيق: ماجد غرباوى، قم: نشر المشعر.
۱۷. صدوق، محمّد بن على بن بابويه (۱۳۶۸ش)، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، تحقيق: سيد محمّد مهدي خراسان، قم: رضى.
۱۸. _____ (۱۳۸۵ق)، *علل الشرائع*، تحقيق: سيد محمّد صادق بحر العلوم، نجف: مكتبة الحيدرية.
۱۹. _____ (۱۴۰۴ق)، *عيون أخبار الرضا عليه السلام*، تحقيق: حسين اعلمى، بيروت: مؤسسة الأعلمى للمطبوعات.
۲۰. _____ (۱۴۰۵ق)، *كمال الدين و تمام النعمة*، تحقيق: على اكبر غفارى، قم: مؤسسه نشر اسلامى.
۲۱. _____ (۱۴۱۷ق)، *الأمالى*، قم: مؤسسة البعثة.
۲۲. صفار، محمّد بن حسن (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات الكبرى فى فضائل آل محمّد عليه السلام*، تحقيق: محسن كوچه باغى، تهران: منشورات الأعلمى.
۲۳. طحان، محمود (۱۴۲۴ق)، *تيسير مصطلح الحديث*، زاهدان: دار الفاروق الأعظم.
۲۴. طوسى، محمّد بن حسن (۱۳۶۴ش)، *تهذيب الاحكام*، تحقيق: سيد حسن موسى خراسان، تهران: دار الكتب الاسلامية.
۲۵. _____ (۱۴۱۴ق «الف»)، *الأمالى*، تحقيق: مؤسسة البعثة، قم: دار الثقافة.
۲۶. _____ (۱۴۱۴ق «ب»)، *الغيبة*، تحقيق: عباد الله تهرانى و على احمد ناصح، قم: مؤسسة المعارف الاسلامية.
۲۷. _____ (بى تا)، *الفهرست*، نجف: مكتبة المرتضوية.



۲۸. عاملی، حسین بن عبد الصمد (۱۴۰۱ق)، *وصول الأخبار إلى أصول الأخبار*، تحقیق: سید عبد اللطیف الکوهکمری، قم: مجمع الذخائر الاسلامیة.
۲۹. عسقلانی، احمد بن علی بن حجر (۲۰۱۲م)، *نزهة النظر شرح نخبة الفكر ابن حجر*، شرح و تعلیق: صلاح محمّد محمود عویضة، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۳۰. عسکر، احمد خلیل (۱۴۲۷ق)، *الانشراف فی علوم الحديث و الاصطلاح*، دمام: مكتبة المتنبی.
۳۱. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، *تفسیر القمی*، تصحیح: سید طیب موسوی جزائری، قم: مؤسسه دار الكتاب للطباعة و النشر.
۳۲. کدیور، محسن (۱۳۸۵ش)، «تأملی در منابع اعتقادی» <http://kadivar.com/?p=208>.
۳۳. کشی، محمّد بن عمر (۱۳۴۸ش)، *رجال الكشي*، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.
۳۴. کلینی، محمّد بن یعقوب (۱۳۶۹ش)، *أصول الكافي*، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران: انتشارات علمی اسلامی.
۳۵. مجلسی، محمّدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۳۶. مجلسی، محمّدباقر (۱۴۰۴ق)، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، تصحیح: سید هاشم رسولی، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
۳۷. _____ (۱۴۲۰ق)، *الوجيزة فی الرجال*، تصحیح و تحقیق: محمّد کاظم رحمان ستایش، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۸. مفید، محمّد بن محمّد بن نعمان (۱۴۱۴ق)، *الارشاد*، بیروت: دار المفید.
۳۹. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۱۶ق)، *رجال النجاشی*، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۴۰. نعمانی، محمّد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق)، *الغیبة*، تحقیق: فارس حسون کریم، قم: انوار الهدی.